

اعلامیه مهم احزاب کارگری و کمونیستی دربارهٔ اوضاع ایران

در صفحه ۳



■ هم دادگاه قبلی و هم دادگاه فعلی هیچکدام صلاحیت رسیدگی به این پرونده را ندارند

■ [آیا] پرونده ای که محشون از ردپای زخم ها و کتک ها و ظلم های فاحش بازجویان در حق مدیران شهرداری است می تواند ملاک و مناط کار قضاوت قرار گیرد؟

گزارش نخستین جلسه دادگاه کرباسچی در ص ۲

نامه مردم

از کان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۳۳، دوره هشتم
سال چهاردهم، ۱۹ خرداد ۱۳۷۷

جلوه ای از همبستگی انترناسیونالیستی حزب توده ایران با مبارزه مردم کوبا

در جریان چهارمین کنگره حزب توده ایران، به پیشنهاد یکی از رفقای کارگر، قرار شد تا برای کمک به مردم کوبا، کارزاری در جهت جمع آوری کمک مالی در کنگره و خارج از آن سازماندهی شود. در پی تلاش رفقای حزبی مبلغ ۱۲/۰۰۰ مارک کمک مالی برای یاری به مبارزه مردم کوبا، که قهرمانانه در برابر تحریم اقتصادی و تحریمات امپریالیسم آمریکا پیکار می کند، جمع آوری شد. در پی اتمام این کارزار، دیداری میان هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران و سفیر کوبا در لندن برگزار شد، و کمک جمع آوری شده به رفقای کوبایی تقدیم گردید. سفیر کوبا در انگلستان ضمن تشکر از همبستگی انترناسیونالیستی توده ای ها که خود در شرایط بسیار دشوار مبارزه می کنند، مراتب قدردانی حزب کمونیست کوبا را از این کمک انترناسیونالیستی اعلام کرد. سفیر کوبا همچنین به هیأت نمایندگی حزب توده ایران اطلاع داد، که بر اساس تصمیم کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا، کمک مالی دریافتی جهت خرید دارو برای کودکان کوبایی که به بیماری سرطان مبتلا هستند، مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

اطلاعیه هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران دربارهٔ تحولات کشور خطر سرکوب خونین و کودتا جنبش مردمی را تهدید می کند

سرکوب جنبش مردمی از سوی دیگر است. نیروهای ارتجاعی خوب می دانند که در صورت ادامه شرایط کنونی، خطر جدی رژیم «ولایت فقیه» را تهدید می کند و بنابراین جاره کار را در سد کردن رشد جنبش مطالباتی توده ها و سرکوب آن می بینند. (از اعلامیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، ۱۱ فروردین ماه ۱۳۷۷، نقل از «نامه مردم»، شماره ۵۲۹).

در پی این هشدار باش بود، که روشن گردید، فرمانده سپاه پاسداران رژیم در سخنانی، که در قم، در گردهمایی فرماندهان سپاه ایراد کرده است، سخن از «گردن زدن» و «زبان بریدن» مخالفان کرده است و هشدار داده است که سپاه در تحولات شتابان کشور بی طرف نخواهد ماند. این سخنان، که چیزی جز قداره کشی آشکار فرمانده نیروی سرکوب رژیم به ضد مخالفان و دگراندیشان نیست، بدرستی بازتاب بسیار منفی در درون جامعه یافت و نیروهای گوناگون، همگام با برداشت ما، این تهدید ها را زمینه سازی برای کودتا و سرکوب جنبش ارزیابی کردند.

در هفته های اخیر، خصوصاً پس از برگزاری مراسم دوم خرداد، در سراسر کشور، که بار دیگر صدها هزار نفر از مردم ستمدیده میهن ما خواست آشکار و قطعی خود را برای حرکت به سمت استقرار آزادی، جامعه مدنی، و عدالت اجتماعی اعلام کردند، نیروهای ارتجاعی کارزار هماهنگ و خطرناکی را جهت آماده کردن شرایط یورش و سرکوب خونین

خطر سرکوب خونین و کودتا ضد جنبش مردمی، که با رژیم استبدادی «ولایت فقیه»، و در راه آزادی، استقرار جامعه مدنی و عدالت اجتماعی مبارزه می کند، جدی و فوری است. حزب توده ایران مدتی قبل، هنگام دستگیری غلامحسین کرباسچی، بر اساس ارزیابی اوضاع شدیداً بحرانی کشور، در مورد خطر یورش نیروهای ارتجاعی بقصد سرکوب جنبش، هشدار داد و اعلام کرد: «... ده ها اعتصاب کارگری در کنار فریادهای «مرگ بر استبداد» دانشجویان معترض و همچنین بالاگرفتن برخورد ها در درون طرفداران حکومت جمهوری اسلامی، در هفته های آخر سال ۱۳۷۶، که آخرین نمونه آن نامه اعتراضی بیش از ۳۸۵ تن از استادان، محققان و فضایی حوزه های علمیه» در اعتراض به رفتار رژیم با آیت الله منتظری بود، زنگ خطری جدی را در گوش سران رژیم «ولایت فقیه» به صدا در آورد... در هفته های اخیر همچنین گزارش هایی پیرامون دیدارهای پنهانی تعدادی از سران رژیم و برخی تصمیم گیری ها برای مقابله با جنبش رو به رشد توده ها، به دست ما رسیده است که بسیار نگران کننده است. دستگیری کرباسچی شهردار تهران، بلافاصله پس از پایان ایام تعطیلات نوروزی، بررغم همه فشارهای دفتر رییس جمهوری، و دیداری سروصدای هاشمی رفسنجانی با خامنه ای برای حل موضوع، نشانگر ابعاد وسیع بحران رژیم از یک سو، و آماده شدن ارتجاع و استبداد برای

ادامه در ص ۶

هیأت نمایندگی حزب توده ایران در گردهمایی بزرگ جهانی پاریس به مناسبت یکصد و پنجاهمین سالروز انتشار «مانیفست کمونیست»
در ص ۸

در این شماره

- زدو خورد در نماز جمعه تبریز در ص ۲
- «حجت بالغه» در ص ۲
- روز جهانی کودک در ص ۲
- «شکار جاسوسی» در ج.۱ در ص ۶
- صدمین سالروز تولد پل روبسون در ص ۸

با هم به سوی تشکیل جبههٔ واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

اسلامی هم سردهسته گروه شریتمدار شدید و راهپیمایی های علیه امام به راه انداختید. اما بعد از آنهم از آب گل آلود ماهی گرفته و سرانجام به پست های بالا راه یافتید. حالا این حرفها به شما نیامده که به سربازان امام هتاکی کنید...»

به گزارش همشهری، در پی این اعتراض، درگیری و زدوخورد بین طرفداران موسوی تبریزی و مخالفان او آغاز شد. همشهری می نویسد: «شاهدان عینی انزجار خود را از این موضوع - که برای اولین بار در نماز جمعه تبریز اتفاق می افتاد ابراز کردند. این عده می گفتند: با وضع پیش آمده بعد از این در نماز جمعه که محل وحدت مسلمین است، شرکت نخواهند کرد.»

زدوخورد در نماز جمعه تبریز

مراسم نماز جمعه هشتم خرداد تبریز، بدلیل فحاشی و حمله ابوالفضل موسوی تبریزی، با تشنج و درگیری روبرو شد. بر اساس گزارش روزنامه همشهری، موسوی تبریزی، که به عنوان سخنران پیش از نماز جمعه سخن می گفت، ضمن حمله شدید به دولت خاتمی، عملکرد دولت را بسیار بد توصیف کرد. در پی این تندگویی ها بود که: «یکی از روحانیون جانباز (با درآوردن پای مصنوعی خود) در اعتراض به سخنران گفت: آقای موسوی شما قبل از انقلاب اسلامی طرفدار رژیم ستم شاهی بودید، بعد از انقلاب



حجت بالغه

روزنامه جامعه در نوشته ای در ستون «با مسئولیت سردبیر»، در شماره چهارشنبه ۱۳ خردادماه در برخورد با نظرات آیت الله خزعلی، از جمله نوشت: «یکی از اعضای برجسته شورای نگهبان که از پرچمداران مبارزه علیه روشنفکری در قبل و بعد از انقلاب نیز بوده و در مقام محاجه با حریفان فکری همواره به گونه ای سخت کیشانه عقاید آنان را ریشخند می کند، اخیراً استدلالی درباره علل شکست و پیروزی تیم ملی و رابطه آن با گرایشات فکری و دینی مریبان آن پرداخته که اسباب دست طغز پردازان شده است.

اما گمان ما این است که این رویداد به یک تراژدی یا درام شبیه است. زیرا یک سلسله گمانها و پرسشها را بر می انگیزد که در مواجهه با آن تنها می توان گفت: «انالله و انا الیه راجعون». زیرا نمود بارز اصابت یک مصیبت تاریخی در این استدلال نهفته است. آیا ما بیست سال کشورمان را با همین سنخ استدلال اداره کرده ایم؟ آیا تطبیق قوانین اسلام و قانون اساسی را بر همین قیاس سنجیده ایم؟ آیا مواجهه ما با فرهنگها و از جمله نقد فرهنگ غرب و محکوم کردن آن با چنین معادلانی صورت گرفته است؟ آیا تعیین صلاحیت کاندیداهای انتخابات مجلس در چارچوب چنین اندیشه ای انجام شده است؟ آیا قرار است تعیین صلاحیت نامزدهای انتخابات خبرگان را چنین افرادی انجام دهند؟ آیا نقد و رد آرای روشنفکران دینی از سوی طرفداران سنت با چنین شیوه ای صورت می گرفته است؟ کسی که شکست از آت. میلان را نتیجه عرق خوری ابوبج و پیروزی برانتر میلان را نتیجه نماز خواندن طالبی می داند، حدیث متواتر را از خبر واحد چگونه تشخیص می دهد؟ آیا اساساً این استدلال آینه تمام نمای بسیاری از مواجهات و محاجه هایی که در کشور ما صورت می گیرد، نیست؟ ... آقای خزعلی در دنباله همین سخنرانی فرموده اند رئیس جمهور باید عذر خواهی کند. من نمی دانم رئیس جمهور در مقابل چه کسانی و از چه خطایی باید عذر بخواد ولی می دانم که آقای خزعلی باید در برابر روح منطق دان تاریخ از اسرطو تا سبزواری و در برابر وجدان افراد منطقی از دانشگاهیان تا عامی ترین طبقات عوام و در برابر عقول متوسط از پیران تا خردسالان عذر بخواد. اینگونه استدلال میزان رسوخ در علم را نمایان می کند و ارزش تأویلهای را باز می نماید و از استحکام مواضع و اتقان معیارها پرده باز می گیرد و سنجه ای به دست می دهد تا حجم ادعاها در کنار چگالی آن دیده شود.»

گزارشی از نخستین روز دادگاه کرباسچی

نامبرده [نومیری - قاضی پرونده] است... سرکار خانم ... یکی از مدیران شهرداری که به مدت ۱۱ روز در سلول انفرادی، آن هم با اعمال فشارهای روانی طاقت فرسا، زندانی بوده و قاضی به خاطر انعقاد قرار دادرسی سازمان خدمات کامپیوتری شخصاً به اعمال فشارهای روانی و توهین و حتی قصد اخذ اعتراف در خصوص مسایل ضد اخلاقی و منکرانی علیه اینجانب را داشته است. این خواهر محترمه در نامه ای خطاب به ریاست جمهوری آورده است: فردی که خود را نومیری قاضی شعبه ۲۶ در خصوص پرونده آقای کرباسچی معرفی کرده و حتی در همان اولین جلسه بازجویی نیز به عنوان ناظر شرکت کرده بود، با برگزاری چند جلسه به اصطلاح بازجویی و طرح سوالات غیر مرتبط با موضوع بازداشت اینجانب به شدت درصدد اعتراف گرفتن از بنده بر علیه آقای کرباسچی بود. یکی از سوالات ایشان این بود که تخلفات شهردار تهران را شرح دهید؟! و اظهار می کردند که چون شنیده اند بنده با جناب شهردار جلسات طولانی چند ساعته در دفترشان داشته ام حتماً می بایست از تخلفات صورت گرفته باخبر باشم. متأسفانه در طرح سوالات به همین بسنده نکرده و در کمال بیشرمی و وقاحت از بنده سؤال می کردند که شهردار با کدام خانم ها رابطه نامشروع داشته است؟! و در پاسخ به اعتراض بنده به غیر مرتبط بودن سؤال به موضوع بازداشت به اینجانب اهانت و فحاشی کرد.»

«ریاست محترم دادگاه! این است سرنوشت نامطلوب امر قضا در کشور که به دست عناصری نامطلوب گرفتار آمده و جز بر باد دادن آبرو و خدشه دار کردن حیثیت دستگاه قضایی حاصلی بیارنده است. البته بدهی است وقتی یک قاضی چنین کند سر تیم بازجویان نیز در نامه اش به ریاست مجلس شورای اسلامی او و امثال او را قاضی شجاع بنامد که جرات و جسارت ورود به چنین میدان هایی و ایستادگی در مقابل جریانهای فاسد را دارند، اما افسوس از آن هنگام که در قضاوت همه چیز مقلوب شود و عناصر فساد برانگیز و فتنه جو که اعمالشان اشد من القتل است چهره های صالح و حق طلب و مبارز قلمداد شوند...»

«جناب آقای محسنی! وقتی بازجو در زندان پیش من شهردار تهران بارها تأکید می نماید که من هستم که به قاضی می قبولانم و ثابت می کنم، شما چه بنویسید و چه ننویسید، فرقی نمی کند... به نظر شما دفاع دیگر چه فایده ای دارد و تلاش در راه اثبات حقانیت خویش آیا به جایی می رسد؟»

نخستین جلسه علنی محاکمه غلامحسین کرباسچی، شهردار تهران، روز یکشنبه، ۱۷ خرداد ماه، با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی و گروه کثیری از مردم عادی، در تالار «مجمع قضایی ویژه امام خمینی» آغاز شد. غلامحسین کرباسچی ضمن اعتراض به صلاحیت دادگاه و رییس دادگاه و ضمن بر شمردن موارد متعددی از اعمال غیر قانونی قوه قضاییه همه اتهامات را کاملاً بی پایه و اساس اعلام کرد. دفاعیات کرباسچی، که سخنانش مرتباً از سوی رییس دادگاه قطع می شد، ناتمام ماند و قرار شد تا جلسه بعدی دادگاه، روز پنجشنبه، ۲۱ خرداد ماه تشکیل گردد.

قاضی دادگاه موارد اتهام کرباسچی را از جمله: «۱- مشارکت در اختلاس به میزان ۱۴ میلیارد و ۵۳۰ میلیون ریال به علاوه ۹۰ هزار دلار آمریکا و ۶۰ سکه تمام بهار آزادی و ۸۰ سکه نیم بهار آزادی؛ ۲- مشارکت در ارتشاء؛ ۳- تضییع اموال عمومی؛ ۴- تصرف غیر مجاز اموال دولتی؛ ۵- تبانی در معاملات دولتی و تحصیل مال نامشروع؛ ۶- دخالت در انتخابات مجلس پنجم و پرداخت ۲۵۰ میلیون ریال پول به دو نامزد انتخاباتی برای تبلیغات» اعلام کرد. در زیر بخش هایی از دفاعیات غلامحسین کرباسچی (چه مطالبی را که نامبرده در دادگاه بیان کرد و همچنین دفاعیه مکتوب او که متن آن در همشهری ۱۷ خرداد ماه، درج شده است) را که در عین حال افشا کننده ماهیت ارتجاعی قضا و قضاوت در رژیم «ولایت فقیه» است، درج می کنیم.

«هیچ کاری بدون قانون در شهرداری صورت نگرفته است ولی متأسفانه از همان آغاز پیگیری پرونده و قبل از ثبوت جرم در دادگاه طوری عمل شده است که گویی افراد مجرم بوده اند... آیا پرونده ای با این اهمیت که رییس قوه قضاییه از آن به عنوان پرونده ملی یاد کرده است لازم نیست به یک قاضی با تجربه و با صلاحیت و آگاه سبیده شود؟...»

«مدیران شکنجه شده شهرداری، پس از آزادی اعلام داشته اند که در برخی موارد، سرتیم بازجویی حضور داشته و در اعمال فشار و حتی تهدیدهای روانی علیه متهمین شرکت مستقیم داشته است... آنچه که هم اکنون در قالب پرونده اینجانب و اکثر متهمان شهرداری محل استناد و اتکاء دادگاه است، محصول اقدامات غیر قانونی

اعلامیه مهم احزاب کارگری و کمونیستی درباره اوضاع ایران

در نشست مهم احزاب کارگری و کمونیستی که در خرداد ماه ۱۳۷۷، در آتن، پایتخت یونان، با شرکت ده ها حزب کارگری و کمونیستی برگزار شد، نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، هیأت های نمایندگی شرکت کننده در نشست را در جریان آخرین تحولات ایران قرار داد. اعلامیه زیر، پیرامون اوضاع حساس کشور، به امضای احزاب شرکت کننده در این اجلاس رسید.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۱ خرداد ماه ۱۳۷۷

« ما احزاب و سازمان های امضاء کننده این اعلامیه، با دقت و علاقه تحولات ایران را در سال گذشته دنبال کرده ایم و همبستگی رزمجویانه خود را با مبارزه مردم ایران در راه استقرار آزادی، دموکراسی، جامعه مدنی و تحقق عدالت اجتماعی اعلام می کنیم. انتخابات دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، با وجود آنکه در شرایطی کاملاً غیر دموکراتیک، و در حالی که هیچ حزب و یا سازمان سیاسی اجازه فعالیت آزاد نداشت، و برغم آنکه از ۳۸۴ نامزد انتخاباتی، ۳۸۰ تن آنان از شرکت در انتخابات محروم شدند، نقطه عطفی در مبارزه مردم ایران بود. بیش از ۲۰ میلیون ایرانی، با وجود شرایط غیر دموکراتیک تحمیل شده به آنان، با قاطعیت به ضد نامزد رسمی رژیم در انتخابات رأی دادند. رأی ۲۰ میلیونی به آقای خاتمی، که توسط نیروهای حاکم و ارتجاعی به «لیبرال» بودن متهم شده بود، به نظر نیروهای مترقی ایران همچون همه پرسى بود که در آن اکثریت قاطع مردم ایران علیه ادامه رژیم «ولایت فقیه» رأی دادند.

یکسال پس از این انتخابات، نیروهای ارتجاعی در ایران تمامی تلاش خود را به کار گرفته اند تا جلوه هرگونه حرکت مردم را به سمت تحقق خواست های آنان برای تحولات پایدار و دموکراتیک، سد کنند. ده ها اعتصاب و حرکت های کارگری، مبارزه روز افزون دانشجویان و جوانان و نیروهای انتظامی، مبارزه گسترش یابنده زنان و مردم زحمتکش در عرصه های گوناگون، بازتاب روشنی از گسترش جنبش مردمی در ایران است.

ما مطلع هستیم که در هفته های اخیر نیروهای ارتجاعی، رشد جنبش مردمی را غیر قابل تحمل اعلام کرده اند و از ضرورت سرکوب این جنبش سخن گفته اند. سخنان فرمانده کل سپاه پاسداران رژیم، درباره «گردن زدن» و «زبان بردن» مخالفان، از نمونه های بسیار نگران کننده در تأیید این روند است. این تهدیدها بی شک نشانگر آنست که نیروهای ارتجاعی آماده اند تا برای حفظ رژیم ضد مردمی و ضد دموکراتیک و سرکوب جنبش مردمی به هر جنایتی دست بزنند. ما ضمن اینکه تلاش های نیروهای ارتجاعی برای یورش به جنبش مردمی در ایران را شدیداً محکوم می کنیم، همبستگی رزمجویانه خود را با کارگران، زنان، دانشجویان، و تمامی نیروهای مترقی ایران که در راه دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه می کنند، اعلام می کنیم. ما اطمینان داریم که جنبش مردم ایران سرانجام پیروز خواهد شد.»

- | | |
|----------------------------------|---------------------------------------|
| حزب کمونیست آلمان | حزب توده ایران |
| حزب کمونیست آمریکا | حزب کمونیست فدراسیون روسیه |
| حزب کمونیست استرالیا | حزب کمونیست کارگری روسیه |
| حزب کمونیست کانادا | حزب کمونیست اتحاد شوروی |
| حزب کمونیست اردن | حزب کمونیست بلاروس |
| حزب کمونیست عراق | حزب کارگری مجارستان |
| حزب کمونیست سودان | حزب کمونیست ارمنستان |
| حزب کمونیست سوریه | حزب کمونیست آذربایجان |
| حزب کمونیست در سوریه | حزب کمونیست تاجیکستان |
| حزب کمونیست اسرائیل | حزب کمونیست گرجستان |
| حزب کمونیست فلسطین | حزب کمونیست اوکراین |
| حزب کمونیست مصر | حزب کمونیست بلاروس |
| حزب دموکراسی و سوسیالیسم الجزایر | حزب سوسیالیست بلغارستان |
| جبهه آزادی بخش بحرین | حزب کمونیست بوهیما و موراوی |
| حزب سوسیالیسم خلقی مکزیک | حزب کمونیست یونان |
| حزب کمونیست سوئد | حزب کمونیست پرتغال |
| حزب کمونیست بریتانیا | حزب کمونیست رفونداسیون (احیا) ایتالیا |
| حزب کمونیست جدید بریتانیا | حزب زحمتکشان مترقی قبرس (اکل) |
| حزب کمونیست دانمارک | حزب کمونیست اسپانیا |
| حزب کمونیست جدید هلند | حزب کمونیست خلق های اسپانیا |
| حزب کمونیست جدید یوگسلاوی | جبهه چپ متحد اسپانیا |
| حزب کمونیست رومانی | حزب کمونیست هند |
| حزب کار بلژیک | حزب کمونیست هند (مارکیست) |

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

به مناسبت روز جهانی کودک

اوضاع فاجعه بار کودکان در ایران

نزدیک به ۵۰ سال پیش، به ابتکار فدراسیون جهانی زنان دموکرات و فدراسیون جهانی جوانان دموکرات، روز ۱۱ خردادماه (اول ماه ژوئن)، به عنوان روز جهانی کودک پیشنهاد گردید. ده سال بعد، مجمع عمومی سازمان ملل «اعلامیه حقوق کودک» را که در بردارنده اهدافی والا، شامل دفاع از کودکان در مقابل استثمار آنان، تامین تندرستی و سلامت کودکان، و تحقق آموزش و پرورش دموکراتیک آنان بود، به تصویب رساند. طیف وسیعی از جهانیان، مشتمل بر کشورهای متعدد و سازمان های سیاسی، مترقی و دموکراتیک، با به رسمیت شناختن این روز، اهمیت مبارزه برای تضمین شرایط مناسب جهت رشد فیزیکی، اجتماعی و آموزشی کودکان، این سازندگان فردای جامعه، را مورد تصدیق قرار دادند.

«اعلامیه حقوق کودک»، کشورها را به اتخاذ تصمیم ها و انجام اقدام های عملی جهت تامین حق تغذیه، مسکن، آموزش و پرورش، برخورداری از خدمات بهداشتی و پزشکی، امکانات تفریحی و ایجاد شرایط مناسب برای رشد متعادل شخصیت کودکان، رفع تبعیض از آنان و حمایت از کودکان در برابر استثمار و ملزم می سازد. اکثریت کودکان میهن ما، در شرایط دشوار، نامناسب و اسفناکی زندگی می کنند. سیاست های رژیم های حاکم بر کشور، در دهه های اخیر، نه تنها متوجه مراعات حقوق پایه ای کودکان نبوده، بلکه با ایجاد شرایط اقتصادی و اجتماعی نادرست اوضاعی جهنمی را به وجود آورده اند که بر مبنای هر گونه نظام انسانی و عدالتجویانه ای، محکوم هستند. این حقیقت که سیاست های رژیم، شرایط تاسف باری برای آینده سازان کشورمان ایجاد کرده، نه فقط نیروهای سیاسی مخالف، بلکه حتی مسئولان عالی رتبه مملکتی نیز قبول دارند. سعید مدنی، دبیر اجرایی همایش «مسایل کودکان و نوجوانان»، که در اسفند ماه ۷۶ در تهران برگزار شد، اظهار می دارد: «بررسی مشکلات و مسایل کودکان در ایران نشان می دهد که این قشر جامعه از بدو تولد درگیر مسایلی هستند که آن ها را جزو «آسیب پذیرترین» و «درخطرترین» گروه های اجتماعی قرار داده است... کودکان نه تنها مورد حمایت قرار نمی گیرند بلکه... مورد ظلم مضاعف قرار می گیرند.»

در جریان همایش فوق الذکر، صدها مورد کودک آزاری اعلام شده، و مشکلات کار کودکان و ناهنجاری های اجتماعی آنان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. البته پر واضح است که در چهارچوب قوانین ارتجاعی حاکم، چنین بررسی هایی، با وجود افشای حقایقی از این دست، نمی توانند به هیچ راه علاج واقعی ای منتهی گردند. ریشه بحران در کشور ما استقرار نظام اقتصادی- اجتماعی مبتنی بر عقب مانده ترین اشکال سرمایه داری است که همراه با بهره گیری از ارتجاعی ترین برداشت های مذهبی برای تنظیم روبنای فرهنگی جامعه زندگی کودکان و نوجوانان ایرانی را در چنبره ای ناهنجار از قوانین نوشته و نانوشته محصور کرده است. بررسی مشکلات نوجوانان، بر پایه داده های آماری، می تواند تصویری عینی از شرایط زندگی نوجوانان کشورمان بدست دهد. در آمارهای رسمی معمولاً نوجوانان و کودکان، محدوده سنی زیر ۱۵ سال را تشکیل می دهند. قابل توجه است که بافت سنی ایران در دو دهه اخیر، تغییرات فراوانی کرده و در حال حاضر بخش وسیعی از جمعیت کشور را جوانان تشکیل می دهند. بر اساس نتایج آخرین سرشماری کشوری در سال ۱۳۷۵، از کل جمعیت ۶۰ میلیونی کشور، ۲۳ میلیون و ۷۰ هزار نفر در گروه سنی زیر ۱۵ سال قرار دارند که ۵۸ درصد آنان در مناطق شهری زندگی می کنند.

آموزش و پرورش کودکان

بر اساس سرشماری سال ۷۵، نزدیک به ۱ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر در گروه سنی ۱۰-۱۴، سال به تحصیل اشتغال ندارند. بدلائل متفاوت که اکثرآ ریشه در شرایط اقتصادی دارند، کودکانی که باید در کلاس های درس مشغول تعلیم و تربیت باشند، در خیابان های تهران و دیگر شهر های بزرگ، مشغول تگدی و یا دستفروشی هستند. کمبود امکانات آموزشی و نبود نظارت منظم بقصد یافتن دلایل عدم حضور کودکان در مدارس، ریشه در سیاست های رژیم دارد که به عوض سرمایه گذاری در جهت بهبود شرایط زندگی شهروندان، میلیارد ها تومان سرمایه کشور را در سیاست تسلیحاتی احمقانه، ماجراجویانه و بی حاصل، و یا در حمایت از نیروها و ابتکارات ارتجاعی در چهار گوشه جهان، تلف کرده است. درصد واقعی اختصاص یافته از

ادامهٔ اوضاع فاجعه بار کودکان ...

شهرها (۱۳۵۰)، در فعالیت های صنعتی مشغول به کار شده اند. قطعاً برای هیچیک از کودکان و نوجوانان شاغل، بیمه ای پرداخت نمی شود. این افراد غالباً به کارهای موقت مشغولند و مدت طولانی در یک کار باقی نمی ماند، و هیچ قانونی از این گونه شاغلین حمایت به عمل نمی آورد. دکتر انصاری، رییس سازمان بهزیستی، در مراسم استقبال از ۳۴ تن از کودکان و نوجوانان کشورهای مختلف آسیایی شرکت کننده در راه پیمایی جهانی «علیه کار کودک»، و قیحانه گفت: «بانگهی مقایسه ای به اوضاع کار کودکان و نوجوانان قبل و بعد از انقلاب، متوجه می شویم که امروز شاید کمتر کودکی در کارگاه ها و واحد های خدماتی - تولیدی به کارهای سخت و زیان آور مشغول است.» پاسخ او را با اظهارات شیرین عبادی، رییس انجمن ملی حمایت از حقوق کودکان، در ارتباط با دو استثناء قانون کار مصوب ۱۳۶۴ که حداقل سن کار را ۱۵ سال می داند، باید داد که می گوید: در کارگاهی که به وسیله اعضای یک خانواده اداره می شود قانون کار اعمال نمی شود. «مشکل اینجاست که اکثر کارگاه های فرش بافی به وسیله اعضای خانواده اداره می شود.» او عیان می کند که: «هنوز هم شاهدیم که از کودکان در کارگاه های فرش بافی، کوره پزخانه ها... به دلیل پایین بودن دستمزد آنان نسبت به کارگر بزرگسال، استفاده می شود.» استثناء دوم مورد اشاره شیرین عبادی در مورد مشاغل است که طبق قانون کار، برای سلامت و اخلاق کار آموز و نوجوان زیان آور است. پرسش او این است که آیا کاری وجود دارد که برای اخلاق، زیان آور باشد که برای نوجوان این استثناء در قانون لحاظ شده است.

نوعروسان خردسال

یکی از تاسف بارترین مظاهر ثمرات شوم ادامه رژیم «ولایت فقیه»، وضعیتی است که بر زندگی دختران جوان کشور ما حاکم است. رژیم با اعلام قانونی و اعمال اینکه حد بلوغ برای دختران، ۹ سال است، عملاً امکان سوءاستفاده جنسی از آنان را در سنینی که باید در مدارس به درس و تحصیل و به بازی مشغول باشند، به سیاست رسمی بدل کرده است. بر اساس ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن بلوغ برای دختران ۹ سال و برای پسران ۱۵ سال مقرر شده است. آموزش های مغز شویانه مذهبی در ارتباط با مزیت های ازدواج های زودرس از یک سو، و وضعیت معیشتی دشوار که در کشور باعث می شود خانواده های پرجمعیت ۱۰-۱۲ نفری به دلیل شرایط بد اقتصادی در یک اتاق کوچک شب راه صبح بر ساندند، باعث شده است که در روستاها و یا مناطق فقیر نشین شهری، در دو دهه اخیر تعداد دختران نوجوانی که ازدواج کرده اند، سیر صعودی کند. دکتر زرین تاج کیهانی، متخصص اطفال و فوق تخصص اعصاب کودکان معتقد است که «بخشی از ازدواج های اجباری که تاثیر منفی شدیدی نیز بر سلامت جسمی و روانی دختران و زنان دارد، ناشی از سنتهای قومی و قبیله ای، سنگینی بار اقتصادی خانواده های محروم و گاه با هدف از بین بردن دشمنی های قبیله ای است.» آمار رسمی نشان میدهد که تعداد ۴۸ هزار و ۸۲۳ نفر، دختران گروه سنی ۱۰-۱۴ ساله ازدواج کرده، دارای همسر بوده اند و نزدیک به ۵۰۰۰ نفر دیگرشان بر اثر فوت همسر و یا طلاق بیوه شده اند. واقعیت حتی از این هم وخیمتر است. شیرین عبادی، وکیل دادگستری و حقوق دان در ارتباط با ازدواج حتی قبل از سن بلوغ، می گوید: تبصره ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، مقرر می دارد که «عقد نکاح صحیح قبل از سن بلوغ با اجازه ولی صحیح است، به شرط رعایت مصلحت مولی علیه». به این ترتیب حتی می توان دختر نوزادی را طبق صلاحدید ولی اش (پدر و یا جد پدری) به عقد ازدواج مردی در آورد. کوتاه سخن. کودکان و نوجوانان ایرانی، بدلیل محرومیت، فقر، نبود امکانات آموزشی و حمایت و برنامه ریزی مرکزی دولت، با آینده ای تاریک و بسیار نگران کننده روبرو هستند. رژیم متکی بر عقاید و اندیشه های «قرون وسطایی» شرایطی را برای کودکان و نوجوانان میهن ما، خصوصاً دختران پدید آورده است که با معیارهای انسانی و جامعه مدنی هیچ همخوانی ندارد.

ادامهٔ هیأت نمایندگی حزب تودهٔ ایران در گردهمایی بزرگ ...

داشت، و نظرات حزب را در عرصه های مختلف بیان کرد. توجه خوانندگان را به بخش هایی از سخنرانی های نمایندهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در سمینارهای گوناگون این گردهمایی بزرگ جلب می کنیم:

• «حاکمیت برآمده از اکتبر ۱۹۱۷: مانیفست در عمل؟»

«قرن بیستم، قرن دگرگونی های شگرف در تاریخ جامعه بشری است. قرن اکتشافات بزرگ، دگرگون شدن شیوهٔ تولید و نیروهای مولده، قرن تسخیر فضای کیهانی و قرن انقلاب عظیم اطلاعات (انفورماتیک) و ارتباطات است. قرن بیستم همچنین قرن نخستین انقلاب سوسیالیستی جهان و نخستین آزمون و کوشش برای تحقق بخشیدن به سوسیالیسم و بنا کردن جامعه ای نوین بر اساس عدالت اجتماعی و انسان دوستی است. با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، «شیخ کمونیسم» که اروپا را دور می زد واقعیت یافت، و دوران نوینی در تاریخ بشریت آغاز شد. این دوران با حوادثی که در سال های پایانی قرن حاضر رخ داد، با نتایج فاجعه انگیزی روبرو شد. برکسی پوشیده نیست که سرمایه داری با تمام توان و امکانات خود در راه نابودی «کمونیسم» مبارزه کرده است و در پی تحولات سال های اخیر «مرگ کمونیسم» را اعلام کرده است، ولی برخلاف این تصور، این تحولات نه تنها «مرگ کمونیسم» و پایان جهان نیست، بلکه مرحله ای است در نبرد برای به گور سپاری سرمایه داری ... ما فکر می کنیم آنچه درک و برداشتی از پدیده ها و رویدادها درست است که با اتکاء به بنیاد های علمی در راستای ایدئولوژی و مبارزهٔ طبقه کارگر باشد. ما در این زمینه می افزایشیم که دکماتیسم راست و یا چپ قادر به درک ایده های پویای مارکسیسم نبوده و نیست. پایه گذران مارکسیسم هرگز ادعا نکرده اند که فلسفه و اعتقاداتشان برتر و بالاتر از علم قرار دارد. واقعیت تمام ناشدنی و بفرنج است، و بنابراین تمامی آزمون های علمی نیز قابل تغییر و اصلاح هستند. ما همچنان معتقدیم که اندیشه های مارکس و انگلس از چنان دقت علمی و اعتبار تاریخی برخوردار اند که نمی توان آنها را به دلیل این شکست و یا آن عقبگرد، نادرست اعلام کرد. مارکسیسم، درک تاریخی دقیقی از تحول جامعه بشری بر اساس ماتریالیسم به ما ارائه می دهد و اعلام می کند که صورت بندی های اجتماعی بر اساس درک دیالکتیکی از جهان، روند تکاملی را می پیمایند و بر این اساس صورت بندی سرمایه داری، سرانجام جای خود را به صورت بندی تکامل یافته تر سوسیالیسم و سپس کمونیسم خواهد داد. ...»

• «آیا دولت را باید بدست گرفت؟ انقلاب، تحول یا تغییرات تدریجی»

«سرمایه داری از لحاظ اقتصادی حتی پیش از آنکه قدرت را بدست گیرد، در درون سیستم فئودالی شکل گرفت. مناسبات تولیدی جدید سرمایه داری، مدتها قبل از آنکه صورت بندی اجتماعی یا دولت سرمایه داری پا گیرد، در درون نظام فئودالیسم وجود داشت و در تضاد با آن رشد کرد. ستوال می شود که آیا برای ساختمان سوسیالیسم نیز الزاماً باید نخست قدرت دولتی را بدست گرفت یا ساختمان جامعه سوسیالیستی در غیاب تصاحب حاکمیت و درون نظام سرمایه داری امکان پذیر است؟ مارکسیست ها همواره معتقد بوده اند که طبقه کارگر و متحدانش، برای ایجاد تحولات بنیادین و بنا کردن جامعه ای نوین، به یک سیستم سیاسی آزاد، دموکراتیک و توده ای که در آن زحمتکشان حاکم بر سرنوشته خویش باشند، نیازمندند. انگلس در پیشگفتاری که در سال ۱۸۸۸ بر چاپ انگلیسی مانیفست نوشت، در این باره از جمله گفت: «کمون پاریس بویژه ثابت کرد که طبقه کارگر نمی تواند به تسخیر ماشین دولتی، آنطوریکه هست، رضایت دهد و آنرا بحساب خاص خود به کار اندازد.» ماشین دولتی استثمارگران فقط به یک منظور بنا شده است: استثمار و به همین دلیل استثمار شوندهگان به ساختار دیگری نیازمندند. ستوال دیگری که مطرح می شود این است که چگونه باید قدرت را بدست گرفت: از طریق انقلاب، اصلاح و یا تغییرات تدریجی؟ پاسخی که به این پرسش می توان داد این است که هیچ نسخه از قبل نوشته شده ای برای تمامی کشورها، شرایط و لحظات تاریخی متفاوت، وجود ندارد. لنین می گوید: «مارکسیسم با هرگونه فرمول بندی تجریدی، با هرگونه نسخهٔ آئین پرستانه اکیداً مخالف است، خواستار پژوهش دقیق مبارزه جاری توده ها است که همروند با گسترش جنبش و رشد و آگاهی توده ها و تشدید بحران های اقتصادی و سیاسی، دائماً شیوه های تازه و دم به دم متنوع تری از دفاع و حمله را بوجود می آورد. بدین جهت مارکسیسم هیچ شکلی از مبارزه را به طور مطلق رد نمی کند. مارکسیسم در هیچ موردی به آن شکل هایی از مبارزه که فقط در یک لحظه معین، ممکن و موجود هستند، بسنده نمی کند و برآن است که همروند با تغییر وضع اجتماعی، پیدایش اشکال تازه ای از مبارزه که برای رزمندگان دوران معین هنوز شناخته شده نیست، ناگزیر خواهد بود...» بر این اساس، روشن است که مارکسیسم در این عرصه از همه اشکال مبارزه برای تحقق آرمان های طبقه کارگر بهره خواهد جست. به قول انگلس: «واقعیت نوجای واقعیت میرنده را خواهد گرفت. اگر واقعیت میرنده به اندازه کافی عاقل باشد، بدون مقاومت خواهد مُرد و در این صورت جایگزینی به شکل مسالمت آمیز انجام خواهد گرفت و در غیر این صورت با زور.» وظیفه انقلابیون بررسی دقیق و علمی رویدادها و شرایط اجتماعی اقتصادی و نه برخوردهای ذهنی و اراده گرایانه با تحولات است. ...»

ادامه اطلاعیه هیأت سیاسی کمیته مرکزی ...

جنبش مردمی آغاز کرده اند. تظاهرات از پیش سازمان داده شده «طلاب قم»، که توسط دفتر خامنه ای و با همکاری سپاه و نیروهای انتظامی تدارک دیده شده بود، و در آن مستقیم و غیر مستقیم خواست سرکوب جنبش مردمی با شعارهای «وا اسلاما» و «نابودی» دین و «وای اگر خامنه ای حکم جهادم دهد» مطرح گردید، و در کنار آن کارزار تبلیغاتی وسیع بقصد حسبانیدن جنبش مردمی و خواست های آن به «توطئه آمریکا»، سخنان آیت الله خزعلی، رییس انجمن حجّتیّه، تهدید های جنّتی، رهبر چماق داران انصار حزب الله در نماز جمعه تهران، و هشدارهای آیت الله استادی، در قم، درباره توطئه دشمنان برای زیر ضربه قرار دادن «ولایت فقیه»، و موضع گیری شیخ محمد یزدی به ضد روزنامه ها در نماز جمعه این هفته تهران، جای شک و شبهه ای نمی گذارد که سران ارتجاعی رژیم گام به گام شرایط سرکوب جنبش مردمی را تدارک می بینند. در ادامه همین کارزار است که، سخنان بی پروا و تکان دهنده سید رحیم صفوی، که باید از او به عنوان فرمانده کودتای احتمالی و «سپهبد زاهدی» رژیم «ولایت فقیه» نام برد، در نشست دانشجویی ۱۲ خرداد، به شکل روشنی طرح نقشه های شوم و پلید رژیم سرکوبگر به ضد جنبش مردمی را آشکار می کند.

رحیم صفوی در این سخنان از جمله گفت: «من هشدار دادم. سپاه یک مجموعه بسیار پیچیده است و با کمک همین مجموعه خیلی از عناصر گروه سوم را شناسایی کرده، اما در عین حال دست آنان را نیز بازگذاشته تا گروه و روزنامه درست کنند، ولی ما سرزنزنگاه به سراغشان می رویم... من در قم در مصاحبه اخیرم با نشریه پیام انقلاب گفتم که زمانش که رسید، میوه را خواهیم چید. میوه را باید گذاشت تا برسد. الان آن میوه کال است. خوب که رسید به دست شما بسپجی ها می چینیم...» و در جای دیگر با تأکید بر اینکه رژیم حتی پیش بینی درگیری و سرکوب خونین مردم را نیز کرده است، صفوی می گوید: «هنگامی که زمانش فرا رسد، با کنار زدن نقابهای این گروه، دست های بیگانه را در پشت این قلم ها و نقابها نشان می دهیم. برخی از این گروه ها هم اکنون در حال جمع آوری اسلحه هستند، ما جواب اسلحه آنان را نیز با اسلحه خواهیم داد...» صفوی در انتهای سخنانش، ضمن طرح غیر مستقیم این مسأله که او دولت خاتمی را به رسمیت نمی شناسد تأکید می کند که حرکات و اعمال او با اطلاع و تأیید «ولی فقیه» است. صفوی می گوید: «وقتی من می بینم یک جریان توطئه فرهنگی براه افتاد، حق خود می دانم که از انقلاب در برابر این جریان دفاع کنم. فرمانده من مقام معظم رهبری است و ایشان مرا منع نکرده اند...»

سخنان رحیم صفوی، ضمن آنکه به منظور بسیج نیروهای «خودی» برای «ایستادگی» در مقابل جنبش مطالباتی توده ها و تضعیف اردوگاه نیروهای مردمی بیان شده است، نشانگر آنست که نیروهای ارتجاعی به این ارزیابی رسیده اند که موقع عمل به ضد جنبش نزدیک می شود. سخنان صفوی در عین حال حاوی این نکته است که حرکت «سردار سپاه» با آگاهی کامل و تأیید علی خامنه ای، «ولی فقیه» و فرمانده کل قوا، می باشد.

ما بازم تأکید می کنیم خطر سرکوب خونین و کودتا ضد جنبش مطالباتی توده ها، جدی و فوری است. رژیم استبدادی و ضد مردمی «ولایت فقیه» نشان داده است که آماده است از هر پوششی برای اجرای توطئه های خود بهره گیرد و به هر جنایتی برای ادامه حیات خود دست بزند. خبر های نگران کننده پیرامون بمب گذاری و «ناامنی» در روزهای اخیر، حربه شناخته شده ای است که رژیم براحتی می تواند با استفاده و سازمان دهی آن، زمینه را برای کودتا و برقراری حکومت نظامی آماده سازد. هوشیاری، مبارزه مشترک و متحد، بیگانه راه مقابله موثر با این توطئه های خطرناک رژیم ضد مردمی است. حرکت تاریخی مردم ما در دوم خرداد ۱۳۷۶، نشان داد که توده های انبوه مردم متحد، توان آنرا دارند که بزرگترین سد ها را از مقابل خود بردارند و راهگشای حرکت به سمت آزادی، استقرار جامعه مدنی و عدالت اجتماعی باشند. تحولات اخیر همچین، باردیگر بر این ارزیابی صحت می گذارد که با وجود ادامه رژیم «ولایت فقیه» نمی توان به تحولات دموکراتیک و پایدار در ایران امیدوار بود. حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی کشور بود که مردم و نیروهای مترقی را به مبارزه برای طرد رژیم «ولایت فقیه» فراخواند و اعلام کرد که هدف از این مبارزه تنها جایجایی مهره ها، جایگزین شدن خامنه ای و یا انتخابی شدن «ولی فقیه» نیست بلکه هدف طرد و از بین بردن ساختار ضد مردمی و قرون وسطایی است که سد اساسی هرگونه حرکتی به سمت آزادی، و استقرار جامعه مدنی، در مین ماست.

هدف وایسگرایان و مدافعان «ذوب در ولایت»، چیزی جز استقرار کامل یک حکومت قرون وسطایی، از آن نوعی که ما امروز در افغانستان شاهد آن هستیم، نیست، نباید اجازه داد که ارتجاع و نیروهای تاریک اندیش که ضدیشان با آزادی و مدنیت بارها به اثبات رسیده است، بتوانند نقشه های پلید خود را به مرحله اجرا بگذارند. شکست جنبش و سرکوب آن فاجعه بزرگی خواهد بود که اثرات مخرب و ویرانگر آن برای سال های طولانی برجای خواهد ماند.

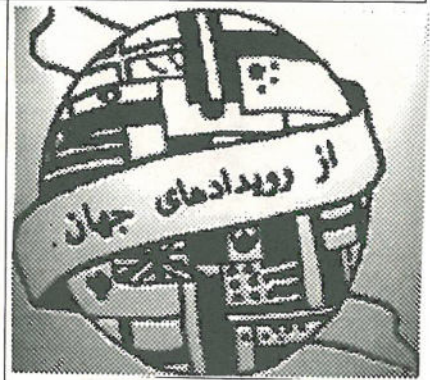
هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۶ خرداد ۱۳۷۷

از «شکار جاسوس» تا همکاری امنیتی با
دستگاه جاسوسی بریتانیا

روزنامه جمهوری اسلامی، در اردیبهشت ماه سال جاری، در پی موضع گیری های رایین کوک، وزیر امور خارجه انگلیس، در مورد مقابله این کشور با برنامه دستیابی ایران به فن آوری سلاح های هسته ای، در مقاله ای «افشاگرانه» خبر از دستگیری یک جاسوس انگلیسی در ایران داد، و از وزارت امور خارجه ایران خواست تا با «قاطعیّت» در مقابل «پیر فرتوت» استعمار بایستد. وزارت امور خارجه، خجالت زده از این خبر نادرست روزنامه جمهوری اسلامی، اعلام کرد که، در نوامبر سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶)، گوین رابرتس، خبرنگار انگلیسی، که در ایران مشغول تهیه فیلم درباره بیماران شیمیایی حلبچه در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) بوده است، دستگیر و فوراً آزاد شده است!!

روزنامه انگلیسی زبان گاردین در مقاله ای که به این مناسبت زیر عنوان «داستان های سازمان جاسوسی انگلستان» در شماره ۲۹ آوریل، منتشر کرده است، نکات بسیار جالب و افشاگرانه ای درباره بازی های سیاسی پشت پرده رژیم جمهوری اسلامی و دولت بریتانیا، مطرح می کند که توجه خوانندگان را به بخش هایی از آن جلب می کنیم:

«جاسوسان انگلیس، در هفته گذشته، در مقر ساختمان پر عظمت و ۲۵۰ میلیون پوندی MI6 از خوشحالی در پوست خود نمی گنجیدند. علت این خوشحالی سخنان رایین کوک، در تجلیل از اقدامات آنان در مقابله با تلاش های ایران برای دستیابی به سلاح های هسته ای، از طریق انگلستان، بود. این تجلیل بلافاصله با عکس العمل روزنامه های تندرو در ایران روبرو گردید که در آن ادعا شد یک جاسوس انگلیسی در ایران دستگیر شده است. این داستان البته بی پایه بود، زیرا کمال خرازی، وزیر امور خارجه ایران، فوراً اعلام کرد که گوین رابرتس، خبرنگار انگلیسی قبلاً در نوامبر سال ۱۹۹۷ دستگیر و فوراً آزاد شده است... سران ایران حتماً می دانند که زیر نظر گرفتن حرکات ایران، از جمله اولویت های دستگاه های جاسوسی انگلستان بوده و هست. مگر روزنامه های انگلیس در سال گذشته گزارش مفصلی از تلاش های ایران برای دستیابی به فن آوری سلاح های هسته ای از طریق شرکت های انگلیسی منتشر نکردند؟ دو روز بعد از سخنرانی رایین کوک روشن شد که میخائیل بوتکوف، یکی از افسران سابق «گا.گ.ب»، که در سال ۱۹۹۰ (۱۳۷۰) به دستگاه های جاسوسی انگلستان پناهنده شد، به دلیل کلاه برداری از یک شرکت روسی به زندان محکوم شده است. بوتکوف همان کسی است که در سال ۱۹۹۱ (۱۳۷۰)، نقشه دولت ایران برای دستیابی به فن آوری سلاح های هسته ای را با شکست روبرو کرد. نکته جالب دیگر اینکه سازمان جاسوسی انگلستان (MI6)، در دهه هشتاد، از طریق مسئول «گا.گ.ب» در تهران، که بعداً به انگلستان پناهنده شد، اسامی اعضای و رهبران حزب کمونیست توده [ایران] را در اختیار رژیم جمهوری اسلامی قرار داد، و متعاقب آن بود که رهبران حزب توده دستگیر، شکنجه و سپس اعدام شدند. و باز هم دستگاه جاسوسی انگلستان بود که در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴)، از طریق جمشید هاشمی، یک تاجر اسلحه ایرانی، اطلاعات وسیعی درباره برنامه خرید های تسلیحاتی ایران جمع آوری کرد، و سپس اجازه داد تا نامبرده، با زیر پا گذاردن آشکار دستور العمل های دولت وقت انگلیس، در مورد تحریم تسلیحاتی ایران و عراق، که با هم درگیر جنگی خونین بودند، برای ایران موشک های «کرم ابریشم» از چین خریداری کند. نکته جالب دیگر اینکه سخنرانی رایین کوک در اوضاعی صورت گرفت که آقای تاملینسون، که چندی پیش توسط دستگاه جاسوسی انگلستان اخراج شده بود، اطلاعات جالبی را در مورد عملیات جاسوسی انگلستان افشاء کرد و به همین دلیل به زندان افتاد. بر اساس اطلاعات افشاء شده، تاملینسون توانسته بود در یک باند وسیع خرید اسلحه برای خاورمیانه و از جمله ایران نفوذ کند، و حتی مأموریت یافته بود تا برخی از وسایل خریداری شده را نیز دستکاری کند. بر اساس گزارش هفته نامه «ساندی تایمز» این دستور دستکاری ها، که توسط یکی از اعضای کابینه صادر شده بود، می توانست جان عده ای را به خطر بیاندازد...» آقای کوک می تواند از کارهای دستگاه های جاسوسی انگلستان تقدیر کند و اجازه دهد تا MI6، با استفاده از کانال های مطبوعاتی خود هر داستانی را که می خواهند و یا به نفع شان باشد، پخش کند. آقای کوک مدعی شد که دستگاه جاسوسی انگلستان همگام با سیاست های جدید دولت کارگر، تلاش می کند تا جلو تشدید مسابقه تسلیحاتی را سد کند. این سیاست برخلاف گفته آقای کوک سیاست جدیدی نیست و ربطی هم به سیاست های «حزب کارگر نو» ندارد. نکته دیگر اینکه آیا به نظر آقای کوک هدف وسیله را توجیه می کند؟ آیا آقای رایین کوک مطلع است که دستگاه های جاسوسی انگلستان به چه کارهای دیگری مشغول هستند؟ و مهمتر از همه اگر آقای کوک می داند، آیا حاضر است به ما بگوید؟»



اعتصابات کارگری در کره جنوبی

ده ها هزار کارگر کره جنوبی، اعتصابات سراسری دو روزه ای را در روز ۷ خرداد ماه آغاز کردند، کنفدراسیون اتحادیه های کارگری کره جنوبی که ۵۶۰/۰۰۰ کارگر عضو آن هستند، پس از شکست مذاکرات خود با دولت تصمیم به اعتصاب گرفت.

دولت سئول در چارچوب موافقتنامه خود با صندوق بین المللی پول، جهت دریافت ۴۰ میلیارد دلار وام برای غلبه بر بحران عمیق مالی خود سیاست کاهش بودجه های عمومی، و نیز بیکار کردن کارگران را در پیش گرفته است. نظام بانکی کشور بحران زده و نرخ تورم سرسام آور است.

یکی از مشاوران رییس جمهوری کره، پریزیدنت کیم دا جونگ گفت: «دولت قبول نخواهد کرد که نیروی کار متشکل آنرا بازی دهد... ما با سرسختی با اعتصاب کنندگان برخورد خواهیم کرد.» او قول داد که «اگر اعتصاب کنندگان قانون را بشکنند ما با آنان برخورد خواهیم کرد. این یک اعتصاب غیر قانونی است.»

دبیر بین المللی کنفدراسیون اتحادیه های کارگری گفت که کارگران پس از اینکه گفتگوها به شکست انجامید، خواستار بازنگه داشتن کانال های ارتباطی با دولت هستند.

«ما کانال های گفتگوراباز نگاه خواهیم داشت و امیدواریم که این روند بعد از ۱۹ خرداد، تاریخ اعتصاب بعدی، ادامه یابد.» کنفدراسیون اتحادیه های کارگری خواستار توقف بیکار کردن های عمومی، افزایش مزایای بیکاری، اصلاح شرکت های تجاری و تولیدی عظیم و نیز تجدید مذاکره در مورد توافق صندوق بین المللی پول است. «اگر پلیس کنار بیاید هیچگونه خشونتی نخواهد بود.» پلیس برای گردهمایی ها و راهپیمایی کارگران در سئول مجوز صادر کرده است.

رهران کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اعلام کرده اند اعتصاب ها دو روز طول خواهد کشید، اما اگر دولت از زور استفاده کند، وسعت خواهد یافت.

نبرد نهایی در روسیه

حزب کمونیست فدراسیون روسیه، کنگره فوق العاده خود را در روز ۲ خرداد ماه در مسکو برگزار کرد. دستورکار کنگره شامل اتخاذ تصمیم در ارتباط با تغییراتی در اساسنامه، و نیز بحث درباره استراتژی حزب بود. جلسات کنگره در پشت درهای بسته برگزار شد و هیچ خبرنگاری به آن راه داده نشد. بیانیه مطبوعاتی حزب که در روز ۴ خرداد ماه منتشر شد، خاطر نشان ساخت که کنگره سندی را تصویب کرده است که خواستار استعفای یلتسین، انجام انتخابات زودرس ریاست جمهوری و اصلاح قانون اساسی بقصد کاهش قدرت ریاست جمهوری می گردد. این سند خاطر نشان می سازد که فقط یک اعتراض توده ای وسیع می تواند یلتسین را مجبور به کناره گیری کند. سند همچنین برخی از «باج دهندگان» در رهبری اتحادیه میهنی - خلقی روسیه را متهم کرد که «سد راه» مبارزه مردم برای حقوقشان شده اند. رشولسکی یک نماینده کمونیست دوما گفت که مسئله برکناری یلتسین فقط محدود به جمع آوری امضا نخواهد بود و این روند برطبق قانون اساسی به پیش خواهد رفت. زیوگائف در روز ۲۹ اردیبهشت گفت که ۱۷۷ نماینده، یعنی خیلی بیشتر از ۱۵۰ نفر، حدی که برای شروع روند برکنار سازی رییس جمهوری لازم است، در خواست برکناری او را امضا کرده اند.

گنادی زیوگائف همچنین در روز ۲ خرداد، پس از اتمام کار کنگره، به خبرنگاران گفت که نمایندگان کنگره بطور یکپارچه کوشش برای تغییر اساسنامه حزب را به منظور مجاز دانستن تشکیل «پلاتفرم های سیاسی» در داخل حزب کمونیست فدراسیون روسیه، رد کردند. والتسین کوپستوف، از رهبران سرشناس حزب، نیز در پایان کنگره به خبرنگاری ایثار تاس گفت که دستور

کاربلنوم کمیته مرکزی در روز ۱۱ خرداد ماه، شامل «بحثی دقیق» در ارتباط با این موضوع خواهد بود.

● روسیه در چنگال بحران

بحران اقتصادی روسیه در هفته آخر اردیبهشت با اعتصاب گسترده معدنچیان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد هایشان در ۶ ماه گذشته، به اوج خود رسید. معدنچیان در روز ۳۱ اردیبهشت گفتند تا دولت حقوق های عقب افتاده آنان را نپردازد به سر کار های خود باز نخواهند گشت. معدنچیان با مسدود کردن خطوط راه آهن، عملا مانع حمل و نقل کالا شده و ضربه کاری به اقتصاد پریشان روسیه زدند. یلتسین در جلسه اضطراری شورای امنیت ملی اعلام کرد که معدنچیان از حد خود فراتر رفته اند. به گفته سخنگوی یلتسین «هنوز یاد نگرفته اند که در اقتصاد بازار کار بکنند.» یلتسین به ابعاد خطرناک اقتصادی و اجتماعی اعتصاب معدنچیان واقف است، چه در سال ۱۹۸۹ مخالفت معدنچیان با دولت شوروی مقدمات فروپاشی را فراهم کرد یکی از خواسته های معدنچیان کناره گیری بوریس یلتسین است که قدرت سیاسی خود را مدیون معدنچیان است. یلتسین گفت «اعتصاب کنونی فراتر از حد معقول رفته است» و توان اقتصاد بحران زده را تحلیل برده است. او برای اینکه گروه های دیگر مردم را رو در روی معدنچیان قرار دهد گفت: «دولت پول از کی بگیرد! شاید از بازنشستگان، دانشجویان، دکترها، معلمان و یا کارگران فلز کار. آیا آنها به پول کمتر از معدنچیان نیاز دارند.» رهبران معدنچیان گفتند که سخنان یلتسین را شنیده اند: «هر چه او اوضاع را وخیمتر کند ما موضع سخت تری خواهیم گرفت و مصالحه ناپذیر تر می شویم.» آنها گفتند: «ما او را رییس جمهوری کردیم و خود ما او را سرنگون خواهیم کرد.»

نقطه عطف جنبش ساندنیستی

کنگره جبهه آزادیبخش ملی ساندنیستی نیکاراگوئه، در روز های ۳ و ۲ خرداد ماه، در ماناگوا، پایتخت این کشور، برگزار شد. دانیل اورنگا، انقلابی مشهور و رئیس جمهوری پیشین، به دبیر کلی جبهه انتخاب شد. اورنگا در کنگره تعهد کرد که همزمان با وفادار ماندن به اصول انقلابی، به سخنان جدید در حزب گوش داد. او در سخنرانی پایانی در کنگره گفت: «جبهه ساندنیستی خواهان آن نیست که راستگرایان و سرمایه داران برای آن هورا بکشند. ما به انقلاب متعهد هستیم، معتقد به مبارزه هستیم، مصاف امروز ما اصلاح دولت از طریق شیوه انتخاباتی است... ما با دشمنی بمراتب بدتر از دشمنی که در دهه های ۷۰ و ۸۰ مواجه بودیم، روبرو هستیم. دشمنی که نمی توانیم آنرا بسینیم و لمس کنیم.» او توضیح داد که در سال ۱۹۹۰، هنگامی که تهدیدات ملموس دیکتاتوری سوموزا و کنترا های ضدانقلابی همچون تاریخ گذشته محسوب شدند و بنابراین دید حزب نیز تیره گردید، بحرانی در جبهه ساندنیستی شروع شد. از سال ۱۹۹۰ یک دولت سرمایه داری نو لیبرالی در کشور حکومت کرده است. توماس بورگ که تنها عضو بازمانده از پایه گذاران جبهه ساندنیستی با ۲۲۴ رای در مقابل ۱۹۹ رای ویکتور هوگو تینونکو، به مقام معاونت اورنگا انتخاب گردید. طبق مصوبات کنگره اخیر رهبری جدید جبهه مرکب از ۳۰ درصد زنان و ۱۵ درصد جوانان می باشد.

ضد کمونیسم در تاجیکستان

قانونگذاران تاجیک، در روز ۲ خرداد ماه، طرحی قانونی را تصویب کردند که بر مبنای آن فعالیت احزاب مذهبی، و همچنین احزابی را که کمک مالی ویا «اهداف ایدئولوژیک» از کشورهای دیگر می گیرند، ممنوع می کند. این قانون همچنین فعالیت احزابی را که هدفشان سرنگونی نظام مبتنی بر قانون اساسی کشور است و یا ناآرامی های قومی - اجتماعی ویا مذهبی را بر می انگیزد، غیر ممکن می سازد. یکی از اهداف اصلی قانون جدید، ممانعت از فعالیت حزب کمونیست تاجیکستان است. یک سخنگوی حزب کمونیست اظهار داشت که بر طبق این قانون، فقط حزب رییس جمهوری می تواند در انتخابات آینده شرکت کند. در روز ۴ خرداد ماه بر طبق فرمانی که توسط امامعلی رحمانوف، رییس جمهوری تاجیکستان امضا شده بود، تمامی دارایی ها و مایملک حزب کمونیست تاجیکستان ضبط و تحت نظارت دولت قرار گرفت. تاجیکستان تنها جمهوری سابق اتحاد شوروی بود که تا کنون بطور قانونی و رسمی دارایی های حزب کمونیست را ملی نکرده بود. فرمان رییس جمهوری، زیر پوشش برطرماق «جامه عمل پوشاندن به حقوقی که طبق قانون اساسی به شهروندان اعطاء شده» صادر شد. حزب کمونیست ۷۰۰۰۰ نفر عضو دارد.

هیأت نمایندگی حزب توده ایران در گردهمایی بزرگ جهانی پاریس، به مناسبت یکصدوپنجاهمین سال انتشار «مانیفست حزب کمونیست»

از ۲۳ تا ۲۶ اردیبهشت ماه (۱۳ تا ۱۶ ماه مه)، گردهمایی بزرگی با شرکت نیروهای کمونیست و چپ، به مناسبت صدوپنجاهمین سالروز انتشار «مانیفست کمونیست»، به ابتکار انجمن «اسپاس مارکس»، در پاریس برگزار شد. در این گردهمایی بی سابقه، نزدیک به ۱۵۰۰ نفر از ۶۰ کشور جهان شرکت کردند. در میان شرکت کنندگان بسیاری از شخصیت های جنبش سندیکایی، رهبران جنبش کارگری و کمونیستی و نمایندگان احزاب سیاسی مختلف و حتی شماری از رهبران مذهبی حضور داشتند. هیأت نمایندگی حزب توده ایران نیز از جمله شرکت کنندگان در این گردهمایی جهانی بود. از مدت ها پیش از برگزاری این گردهمایی، بیش از ۳۰۰ متن و سند کتبی پیرامون مانیفست و مسایل پیش روی نیروهای چپ، در ۱۲ جلد به چاپ رسیده بود و در اختیار شرکت کنندگان در سمینار قرار گرفت. قرار است متن هایی که در جریان سمینار ارائه شده اند، از جمله چهار متن از سوی هیأت نمایندگی حزب توده ایران، در جلد های بعدی اسناد باین گردهمایی به چاپ برسد.

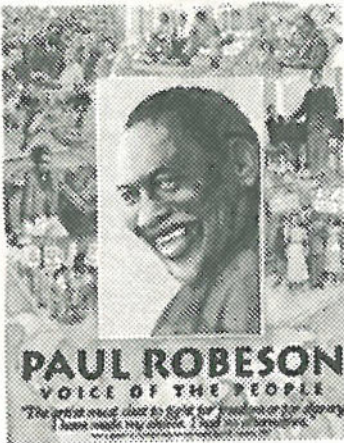
جلسه افتتاحیه این گردهمایی، روز ۲۳ اردیبهشت ماه (۱۳ ماه مه)، در سالن بزرگ کتابخانه ملی فرانسه، با سخنانی از سوی رییس کتابخانه ملی درباره مانیفست، آغاز شد. چهار مسأله اساسی: ۱- مانیفست از عصری به عصر دیگر؛ ۲- از واقعیت های اجتماعی زمان مانیفست تا درگیری های جهانی در عصر ما؛ ۳- معرفت تئوریک از مجموعه جنبش تاریخی؛ ۴- کدام نقش آفرینان برای کدام انقلاب؛ در دستور کار کنفرانس قرار داشت، که در ۳۲ گروه کاری، سمینارها و جلسات وسیع مورد بحث و بررسی قرار گرفت. درباره این مسایل مجموعاً بیش از ۳۰۰ سخنرانی ایراد شد.

جلسه پایانی کنفرانس از شور و هیجان خاصی برخوردار بود. شمار شرکت کنندگان در این جلسه، که در آمفی تاتر بزرگ دانشگاه سوربن برگزار شد، آنچنان بود که گروه زیادی در خارج از آمفی تاتر ایستاده بودند. در میز گرد جلسه اختتامیه، ۱۵ شخصیت برجسته از کشورهای مختلف شرکت داشتند. «لوسین سو» فیلسوف کمونیست فرانسوی از جمله سخنرانان جلسه اختتامیه بود. سخنرانی «ویسانتینو پاولا»، دبیر سندیکا های متحد برزیل، از گرم ترین و پر شور ترین سخنرانی های مراسم اختتامیه بود که چندین بار با کف زدن های ممتد و پر شور حضار قطع شد. «پاولا» در بخشی از سخنان خود بروشنی مفهوم مارکسیسم از دید کارگران را چنین بیان کرد: «اساسنامه سندیکای متحد برزیل حاوی پیام روشنی است که اعلام می کند ما مارکسیست هستیم. ما یک سازمان طبقاتی برای مبارزه طبقاتی هستیم.» جلسه اختتامیه با خروش تندر وار سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

هیأت نمایندگی حزب توده ایران در این گردهمایی بزرگ جهانی، ضمن ملاقات با هیأت های نمایندگی گوناگون از جمله رفقای ویتنامی، چینی، مجاری، روسی، یونانی و دیگران، در چهار سمینار این گردهمایی شرکت فعال

ادامه در صفحه ۵

پل روبسون، صدای جاودانه آزادی و دفاع از آرمانهای والای سوسیالیسم



سال ۱۹۹۸، مصادف با یکصدمین سال تولد پل روبسون، کمونیست برجسته، هنرمند پرآوازه، انسان بزرگوار، مبارز آتشین راه صلح، برادری و برابری ملت ها، و قهرمان فنا ناپذیر رنگین پوستان آمریکا است. بدین مناسبت پیام تهنیتی از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران برای حزب کمونیست آمریکا و نیروهای مترقی این کشور، که باد این مبارز خستگی ناپذیر و دلیر راه آزادی و برابری نژادی در این کشور را گرمای می داشتند، ارسال شد. پل روبسون، در ۹ آوریل ۱۸۹۸ در نیوجرسی آمریکا متولد شد. او فرزند یک برده فراری بود. وی از معدود جوانان سیاه پوستی بود که توانست در آن سال ها وارد دانشگاه شود. در دوران دانشجویی بهترین ورزشکار دانشگاه محسوب می شد. روبسون، فارغ التحصیل رشته حقوق از دانشگاه کلمبیا و همچنین زبان شناسی زبده و برجسته بود. پل روبسون، در موسیقی در کنار لویی آرمسترانگ و جولویی، از چهره های جاودانه به شمار می آید. نقش او در موسیقی رنگین پوستان آمریکا برجسته و ماندگار است. وی در اوج جنگ سرد و مسابقه تسلیحاتی که از سوی امپریالیسم به اردوگاه سوسیالیسم و اتحاد شوروی تحمیل شده بود، بعنوان یک هنرمند متعهد، صلح طلب و مترقی به ضد جنگ و برای صلح و برابری و سوسیالیسم، مبارزه خستگی ناپذیری را سازمان داد. او با آنکه بلحاظ تسلط شگرف در هنر خوانندگی و موسیقی و نیز رشته زبان شناسی و هنریشگی در تئاتر و سینما، از فرصت های عالی در جامعه آمریکا برخوردار بود، و می توانست از نقطه نظر مالی به ثروت های کلان برسد، در سال های پس از جنگ، از سوسیالیسم و اتحاد شوروی قاطعانه حمایت کرد. در سال ۱۹۴۹ در کنفرانس صلح پاریس، در برابر هیأت حاکمه و گردانندگان کاخ سفید ایستاد، و با صراحت اعلام داشت: «رنگین پوستان آمریکا خواهان صلح هستند و حاضر نیستند به خاطر کسانی که نسل ها آنان را تحت ستم قراردادده اند ضد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بجنگند.» او به دلیل کمونیست بودن و صراحتش در دفاع از عقاید و مرام خود، ده سال تحت تعقیب مک کارتی، سناتور نژاد پرست و ضد کمونیست آمریکا، قرار داشت. برخی از تاریخ نویسان آمریکایی معتقدند که در تاریخ صد ساله اخیر آمریکا دو شخصیت بیش از همه تحت فشار و آزار قرار گرفته اند، مارتین لوتر کینگ و پل روبسون. کتاب ارزشمند و خواندنی پل روبسون، بنام «من این جا ایستاده ام»، که در سال ۱۹۵۸ منتشر شد، بهانه ای بدست محافل هیأت حاکمه آمریکا داد تا با استفاده از آن جلو فعالیت های هنری روبسون در این کشور را بگیرند. آثار هنری روبسون، در عرصه موسیقی و خوانندگی، کم نظیر است. او برای صلح دوستان جهان، برای «بریکاد بین المللی» در جنگ داخلی اسپانیا به ضد فرانکو، برای سیاهان در مبارزه با نژاد پرستی، برای کارگران اعتصابی در آمریکا و انگلستان، و برای سازندگان سوسیالیسم در اتحاد شوروی و دیگران با زیبایی و لطافت روح بخشی آواز خوانده است. روبسون در زمینه تئاتر و سینما نیز بسیار فعال بود. پس از ممنوعیت فعالیت هنری در خاک آمریکا، او در نقش اتلو در تئاتر شهر لندن، به روی صحنه حاضر شد. نقش آفرینی او محافل هنری را به ستایش برانگیخت. کار مشترک او با هنرپیشه زن سفید پوست سبب شد که اجرای نمایشنامه در آمریکا ممنوع شود، زیرا به اعتقاد محافل آمریکا، برابری نژادها را تبلیغ می کرد. در عرصه سینما، وی باز هم در نقش اتلو و امپراتور جونز، ظاهر شد و شایستگی و استعداد خود را به اثبات رساند. پل روبسون از جمله شخصیت های نادر و جاودانه جنبش مردمی آمریکا است که تا پایان عمر در راه آرمانهای انسانی و به ضد نابرابری نژادی، و استثمار و وحشیانه سرمایه داری مبارزه کرد. یادش گرامی باد.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
NAMEH MARDOM-NO:533
Central Organ of the Tudeh Party of Iran
<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

9 June 1998

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۲۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse